

دکتر دیوید باوئر، مطالعه استقرایی کتاب مقدس، سخنرانی ۲۸، پیتر، بررسی کتاب ۱

دیوید باوئر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دیوید باور هستم در تدریسش در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس. این جلسه ۲۸، رساله اول پطرس، بررسی کتاب است.

حالا می‌خواهیم به رساله اول پطرس، اولین رساله پطرس، پردازیم.

ما واقعاً قادر نخواهیم بود کتاب اول پطرس را از نظر بررسی کل کتاب، آیه به آیه، همانطور که توانستیم با یعقوب انجام دهیم، تکمیل کنیم، اما قصد داریم مروری بر کتاب اول پطرس داشته باشیم و به یک موضوع مهم در آیات ۱:۱ و ۲ پردازیم، و سپس یک ایده را شرح دهیم، ردیابی کنیم و واحد اول را که در واقع یک واحد اساسی در اینجا در اول پطرس است، یعنی اول پطرس ۱:۳ تا ۱۲، شرح دهیم. حال، همانطور که قبلاً اشاره کردم، خوب است که در این بررسی با انجام مشاهدات واضح شروع کنیم و سپس از آنجا ادامه دهیم. ما عقب می‌ایستیم و سعی می‌کنیم نگاهی کلی به آنچه در اینجا در اول پطرس داریم، بیندازیم.

خواهیم دید که کاملاً واضح است که با یک درود یا سلام در آیات ۱:۱ و ۲ آغاز می‌شود، پطرس، رسول عیسی مسیح به تبعیدیان پراکنده در پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا و بیطونیه، برگزیده و مقدر شده توسط خدای پدر و تقدیس شده توسط روح برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیدن خون او. فیض و آرامش بر شما افزون باد. و سپس کاملاً واضح است که در آیات ۵:۱۲ تا ۱۴، یک نتیجه‌گیری رساله‌ای داریم.

به وسیله سیلوانوس، برادری وفادار، چنانکه او را می‌شناسم، مختصری برای شما نوشتم و نصیحت و اعلام کردم که این فیض حقیقی خداست، در آن استوار بمانید. او که در بابل است، او نیز برگزیده شده است، به شما سلام می‌رساند، و همچنین پسر مرقس. با بوسه محبت به یکدیگر سلام کنید.

صلح و آرامش بر همه شما که در مسیح هستید. البته، مسئله اصلی مربوط به متن نامه است. به نظر من، این کمی واضح‌تر از یعقوب است.

چیزی که اینجا مشاهده می‌کنم، دوباره، با شروع مشاهدات واضح، این است که او واقعاً با نوعی ستایش آغاز می‌کند، متنی که کاملاً جنبه خبری دارد. در این متن اصلاً هیچ نصیحت و هیچ دستوری وجود ندارد، و من در اینجا به آیات ۱:۳ تا ۱۲ اشاره می‌کنم، متنی که آن را رحمت‌های خدا برای مسیحیان نامیده‌ام. با این حال، از ۱:۱۳ به بعد، ما نصایح داریم ۱:۱۳.

در واقع، شما از ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ نصایح دارید. ضمناً متوجه می‌شویم که ۱:۱۳ با حرف ربط سببی شروع می‌شود، بنابراین، بار دیگر، احتمالاً حرکت از حالت اخباری، یعنی آنچه که در حال حاضر وجود دارد، به سمت آنچه که باید بر اساس آن انجام دهید را نشان می‌دهد. اگر در واقع، با نگاه به ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ که البته بخش بسیار گسترده‌ای در این کتاب است، چنین باشد، متوجه می‌شوم که نصایح ۱:۱۳ تا ۲:۱۰ غیرموقعیتی هستند. آنها به موقعیت‌های خاصی که خوانندگان با آن روبرو هستند یا حتی ممکن است با آن روبرو شوند، نمی‌پردازند.

انواع بسیار کلی از نصیحت‌ها وجود دارد. اساساً، شما نصیحت به تقدس را دارید. البته این در ۱:۱۶، خب در واقع ۱:۱۴ و ۱:۱۵ به ویژه یافت می‌شود، زیرا فرزندان مطیع با هوس‌های جهل سابق شما مطابقت

ندارند، بلکه مانند کسی که شما را خوانده است مقدس است، در تمام رفتار خود مقدس باشید، زیرا نوشته شده است که شما مقدس خواهید بود زیرا من مقدس هستم.

و محبت، ۱:۲۲، پس از آنکه با اطاعت از حقیقت، جان‌های خود را پاک کردید، برای محبت خالصانه به برادران، یکدیگر را از صمیم قلب دوست بدارید. به همین دلیل است که من از ۱:۱۳ تا ۲:۱۰ به عنوان یک دعوت عمومی به زندگی مقدس یاد می‌کنم. در واقع، می‌توانیم این را کمی اصلاح کنیم و بگوییم یک دعوت عمومی به عشق مقدس.

اما در واقع، به نظر من، زندگی مقدس در اینجا مناسب است، زیرا به نظر من، توصیه به تقدس، توصیه غالب در اینجا است. به یک معنا، توصیه به عشق ورزیدن در درجه دوم اهمیت قرار دارد. اما نکته قابل توجه، همانطور که لحظه‌ای پیش اشاره کردم، این است که اینها توصیه‌های کلی هستند.

پطرس واقعاً هیچ کاری برای به کارگیری آنها در موقعیت‌های خاص زندگی انجام نمی‌دهد. با این حال، همه اینها در آیات ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ تغییر می‌کند، جایی که ما کاربردهای خاص دعوت عمومی به تقدس را در حوزه‌های خاص زندگی یا مسائل خاص زندگی داریم. اکنون، در این مطالب، او در واقع با یک اعلامیه کلی با بیان هدف شروع می‌کند.

و ۱۲، ای عزیزان، از شما غریبان و تبعیدیان التماس می‌کنم که از شهوات نفسانی که با روح شما در ۲:۱۱ جنگ است، دوری کنید. در میان غیریهودیان، رفتار نیکو داشته باشید تا در صورتی که، و این یک بیان هدف است، در صورتی که شما را به عنوان خطاکار سرزنش کنند، بتوانند اعمال نیک شما را ببینند و در روز دیدار خدا را ستایش کنند. سپس در ۲:۱۳ تا ۳:۷، ما توصیه‌هایی برای تسلیم شدن در برابر ساختارهای اجتماعی داریم.

در واقع، با این مطالب شروع می‌شود، زیرا ما معمولاً به جزئیاتی که اکنون در بررسی کتاب به آنها خواهیم پرداخت، نمی‌پردازیم، اما از آنجایی که نمی‌توانیم بعداً در این مقطع خاص، به تفصیل به ردیابی این اندیشه بپردازیم، می‌خواهم چیزی در اینجا در مورد آن بگویم، و آن این است که شما واقعاً، این چیزی است که ما آن را یک قانون خانه می‌نامیم. شما این را اغلب، یا حداقل نه به ندرت، در رساله‌های عهد جدید دارید. شما آن را در افسسیان و کولسیان نیز دارید، اما او واقعاً اینجا شروع می‌کند، و قانون خانه در ۲:۱۳ تا ۳:۶ یافت می‌شود، جایی که شما در ۲:۱۳ تا ۱۷ دارید، توصیه‌ای برای اطاعت از هر نهاد انسانی، که سپس او ادامه می‌دهد و آن را از نظر دستورالعمل برای بندگان مشخص می‌کند.

خب، در واقع، او بر اساس نهاد خانواده مشخص می‌کند و بنابراین، در آیات ۱۸ تا ۲۵ باب ۲، به خدمتکاران در آیات ۱ تا ۵ باب ۳، به زنان و در آیات ۷ باب ۳، به شوهران اشاره می‌کند. سپس، در آیات ۸ تا ۱۹ باب توصیه‌هایی برای واکنش مناسب به آزار و اذیت یا آزاردهندگان داریم، و در نهایت، در آیات ۱ تا ۱۱ باب ۳، توصیه‌هایی در مورد تسلیم فروتنانه در برابر مسیحیان دیگر از یک سو و در برابر خدا از سوی دیگر، ۵، بنابراین، همانطور که می‌گوییم، رساله اول پطرس نسبتاً واضح بیان شده است، و به نظر می‌رسد که این حرکت اصلی کتاب باشد. حداقل، این یکی از راه‌های درک ساختار کلان رساله اول پطرس است.

حال، پس از شناسایی واحدهای اصلی و زیرواحدها در اینجا، به روابط ساختاری اصلی که در کل کتاب مؤثر هستند، می‌پردازیم. بنابراین، با این عبارت مقدماتی در آیات ۱:۱ و ۲ که قبلاً شناسایی کرده‌ایم، شروع می‌کنیم. پطرس، رسول عیسی مسیح به تبعیدیان پراکنده در پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا و بیتینی، برگزیده و مقدر شده توسط خدای پدر و تقدیس شده توسط روح برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیدن خون او، فیض و آرامش بر شما افزون باد.

توجه داشته باشید، و اتفاقاً همیشه ایده خوبی است که به طور خاص نحوه عملکرد یک رابطه را بیان کنید. وقتی صحبت از، در یک کتاب، وقتی صحبت از تحقق آمادگی در اینجا می‌شود، که شامل جزئیات نیز می‌شود، همانطور که در یک لحظه خواهیم دید، سعی می‌کنیم آنچه را که در رابطه با جزئیات پس‌زمینه است، بیان کنیم. و شما واقعاً سه، سه نوع پس‌زمینه در اینجا دارید، یا سه جنبه از پس‌زمینه ارائه شده است.

نویسنده خود را به عنوان پطرس، از نظر هویت و از نظر عملکرد یا جایگاهش، رسول عیسی مسیح معرفی می‌کند. دریافت‌کنندگان به عنوان تبعیدیان پراکنده با موقعیت مکانی‌شان، یعنی وضعیتشان، محل سکونتشان در پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا و بیطینییه توصیف می‌شوند. و سپس، از نظر جایگاهشان، توسط خدای پدر انتخاب و مقدر شده‌اند، که توسط روح برای اطاعت با پاشیدن خون عیسی مسیح تقدیس شده‌اند.

و البته، درود، فیض و آرامش بر شما افزون باد. حال، چیزی که در این مقدمه برجسته است، توصیف خوانندگان است که بسیار جالب است و در واقع، ما قصد داریم تفسیر این را فقط در چند دقیقه بررسی کنیم. اما او از آنها به عنوان تبعیدیان پراکنده‌ای یاد می‌کند که توسط خدای پدر برگزیده، مقدر و توسط روح تقدیس شده‌اند.

به نظر من، آنچه در اینجا داریم، توصیفی کلی از خوانندگان و هویت مسیحی آنهاست که سپس در ادامه کتاب به تفصیل به آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، در ادامه کتاب، در متن رساله، یعقوب جلوتر می‌رود و دقیقاً توضیح می‌دهد که منظور از تبعید، پراکندگی، انتخاب و تقدیر الهی و تقدیس روح القدس برای آنها چیست. بقیه کتاب محتوای خاصی به وضعیت تبعیدی بودن آنها، وضعیت آنها به عنوان برگزیده و تقدیر الهی و وضعیت آنها به عنوان تقدیس شده توسط روح القدس می‌دهد.

تنها چند دقیقه دیگر خواهیم دید که او در واقع از زبان تبعیدی و بیگانه‌ی خوانندگان در ادامه‌ی رساله استفاده می‌کند. بنابراین، او از این نوع زبان استفاده می‌کند، اما حتی در بخش‌هایی از رساله که زبان بیگانگان یا تبعیدیان یا تبعیدیان یافت نمی‌شود، حتی در آنجا، او واقعاً جایگاه آنها را به عنوان تبعیدیان پراکنده، جایگاه آنها را به عنوان برگزیده‌ی خدا، به عنوان مقدر شده توسط خدای پدر برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیدن خون او، بسط می‌دهد. و البته، ما در این مورد سؤالاتی را مطرح می‌کنیم.

معنای هر یک از عناصر اصلی در عبارت پیش‌زمینه ۱:۱ چیست و هر کدام چگونه بدنه کتاب را آماده می‌کنند و بقیه کتاب را روشن می‌کنند؟ معنای هر عنصر از این توصیف کلی از هویت مسیحی در ۱:۱ و ۲ چیست و هر کدام چگونه در بقیه اول پطرس توسعه یافته‌اند؟ حال، دوباره، اجازه دهید فقط چیزی را در اینجا ذکر کنم زیرا ذکر آن در اینجا راحت است و احتمالاً فرصت دارم دوباره به آن اشاره کنم، اما این موضوع در مقدمه نیز وجود دارد. می‌بینیم که یکی از دغدغه‌های اصلی این کتاب، و من معتقدم دغدغه اصلی اول پطرس، هویت مسیحی است. در واقع، موضوع یا مضمون اصلی اول پطرس، هویت مسیحی است. مسیحی بودن به چه معناست؟ خب، در اینجا به سؤالات منطقی، سؤالات چرایی، می‌پردازیم.

چرا نویسنده کتاب را به این شکل معرفی کرده است؟ فکر می‌کنم باید اینجا بگوییم که چرا نویسنده این توصیف از هویت مسیحی را در کتاب خود گنجانده است، و چرا این توصیف را همانطور که در سراسر کتاب آمده است، بسط داده است؟ همچنین، پیامدهای الهیاتی پاسخ به سؤالات قطعی و منطقی چیست؟ حال در این بخش اشاره کردیم که ممکن است بین ۱:۳ تا ۱۲، اعلام خوبی خدا به مسیحیان از طریق مسیح، و نصایح، در واقع نصایح بعدی، نصایحی که از آن سرچشمه می‌گیرند، یک حرکت عمده داشته باشیم. از آنجا که این مورد وجود دارد، بنابراین، شما نیز باید اینگونه پاسخ دهید. اینگونه است که باید در ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ در آن زندگی کنید. حال، آنچه که ما اینجا داریم، البته، در آیات ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ است، و ما این را در یعقوب نیز دیدیم، تکرار علیت-تأیید، در واقع الگوی نصیحت‌آمیز، این رفت و برگشت مداوم بین علت، که همان خبر دیدیم، تکرار علیت-تأیید، در واقع الگوی نصیحت‌آمیز، این رفت و برگشت مداوم بین علت، که همان امر است. است، و معلول، که همان امر است.

حال، البته، در این مورد سؤالاتی را مطرح می‌کنیم، و این البته بسیار مهم است زیرا آنچه این موضوع را شامل می‌شود، همین ساختار زندگی مسیحی، همین ساختار زندگی مسیحی است. طبق این کتاب، معنای اعلام خوبی، خدا به مسیحیان از طریق مسیح در آیات ۱:۳ تا ۱۲ چیست؟ این اظهارات به چه روش‌های خاصی باعث تولید و منجر به نصایح در آیات ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ می‌شوند؟ چگونه ادعاهای الهیاتی در سراسر آیات ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ یا تولید نصایح در آنجا می‌شوند؟ البته، این موضوع به الگوی نصایح برمی‌گردد. عناصر اصلی در ۵:۱۱ این الگوی اعلام تا نصایح چیست و معنای هر یک از این عناصر اصلی چیست و چگونه به یکدیگر مرتبط می‌شوند و یکدیگر را روشن می‌کنند؟ فکر می‌کنم کاملاً واضح است که اگر واقعاً به این سؤال به خوبی و به طور کامل پاسخ دهید، درک کاملی از پیام این کتاب دارید.

سوالات منطقی: چرا نویسنده با این جمله الهیاتی در مورد نیکی خدا به مسیحیان از طریق مسیح شروع کرده و از آن به عنوان مبنایی برای نصیحت خود در سراسر ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ استفاده کرده است؟ چرا او عناصر اصلی الگوی نصیحت اعلامی را که در سراسر ۱:۱۳ تا ۵:۱۱ انجام داده است، گنجانده است؟ و باز هم، پیامدهای الهیاتی پاسخ به همه این سوالات چیست؟ بنابراین، من فکر می‌کنم، در ۱:۱۳ تا ۵:۱۱، که البته بخش عمده کتاب، بیش از نیمی از مطالب کتاب را تشکیل می‌دهد، نوعی جزئی‌نگری داریم. در ۱:۱۳ تا ۲:۱۰، ما فراخوان عمومی به تقدس، از جمله عشق مقدس، را داریم. همانطور که اشاره کردیم، این در ۱:۱۳ تا ۲:۱۰ به هیچ موقعیت خاصی مربوط نمی‌شود و خود نصیحت‌ها نسبتاً کلی، تقدس و عشق هستند.

اما کاری که او در آیات ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ انجام می‌دهد، مشخصاً نشان دادن معنای تقدس و عشق در موقعیت‌های خاص است. به عبارت دیگر، او مفهوم تقدس را به طور خاص بیان می‌کند. تقدس دقیقاً به چه معناست؟ محتوای مادی تقدس چیست؟ تقدس در موقعیت‌های خاص زندگی چگونه خواهد بود؟ این همان چیزی است که او در آیات ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ توصیف می‌کند. در اینجا کاربردهای خاص فراخوان عمومی یا توصیف کلی مربوط به موارد خاص مانند ساختارهای اجتماعی، آزار و اذیت‌ها یا آزاردهندگان، و مسئله تسلیم در برابر دیگران و خدا را داریم.

و دوباره، سؤالاتی اینجا مطرح می‌شود. معنای دعوت یا توصیف کلی به تقدس در آیات ۱:۱۳ تا ۲:۱۰ چیست؟ و دقیقاً به چه شیوه‌هایی در راستای کاربرد خاص در حوزه‌های ساختارهای اجتماعی، آزار و اذیت و تسلیم، و همچنین سایر دغدغه‌های خاص در آیات ۲:۱۱ تا ۵:۱۱، بسط داده شده است؟ چگونه این دعوت یا توصیف کلی از تقدس در آیات ۱:۱۳ تا ۲:۱۰، این کاربردهای خاص را روشن می‌کند؟ و چگونه این کاربردهای خاص، محتوای خاصی به دعوت کلی به تقدس و عشق می‌دهند و آن را روشن می‌کنند؟ چرا نویسنده از دعوت یا توصیف کلی تقدس به این کاربردهای خاص روی آورده است؟ و چرا دغدغه‌های کلی در مورد تقدس و عشق را به این شیوه‌ها بسط داده است؟ و سپس پیامدهای الهیاتی. فکر می‌کنم در این کتاب چندین مورد تکرار شده است.

همانطور که می‌بینید، در اینجا رنج تکرار می‌شود، و ارجاعات آیات نشان می‌دهد که این مضمون چقدر فراگیر است. همچنین، شما تکرار فراخوانده شدن، برگزیده شدن و مقدر شدن، و تکرار امید را دارید. حال، توجه می‌کنید که امید، آنقدرها هم تکرار نمی‌شود.

این مفهوم در سراسر کتاب توزیع شده است. من در اینجا قضاوتی کرده‌ام که پس از رسیدن به تفسیر، یا تأیید، یا اصلاح خواهد شد، با این حال، اینکه امید، اگرچه خود کلمه به اندازه مثلاً مضمون رنج زیاد ظاهر نمی‌شود، اما از نظر نقشش در اندیشه این کتاب بسیار مهم است، می‌تواند کاملاً قابل توجه باشد. و همچنین، تکرار شکوه یا جلال.

باز هم، در این مورد سوالاتی را مطرح می‌کنیم. معنای هر یک از این اصطلاحات چیست؟ کاربرد مکرر آنها چگونه معنای آنها را روشن می‌کند؟ این مضامین چگونه به یکدیگر مرتبط هستند و چگونه یکدیگر را روشن می‌کنند؟ چرا نویسنده از این اصطلاحات به این شکل استفاده کرده است، و چرا این مفاهیم را به این شکل به یکدیگر مرتبط کرده است، و پیامدهای آن چیست؟ سپس، به نظر من، ما یک تضاد مکرر داریم که به این واقعیت مربوط می‌شود که بارها و بارها، من می‌گویم تکرار تضاد، تکرار مقایسه، که به این واقعیت مربوط می‌شود که پطرس بارها سرنوشت مسیحیان را با سرنوشت مسیح مقایسه می‌کند. مسیحیان برگزیده، مقدر شده و فراخوانده شده‌اند.

توجه کنید که چگونه این توصیف بارها و بارها در مورد مسیحیان بیان شده است، اما مسیح نیز به همین شکل توصیف شده است. با این حال، این تکرار مقایسه بین سرنوشت مسیحیان و سرنوشت مسیح، به ویژه در حرکت از رنج عادلانه به جلال یافت می‌شود. همانطور که در این آیات می‌بینید، این حرکت از رنج عادلانه به جلال ابدی، به مسیحیان و در این قسمت‌ها در سراسر کتاب، به مسیح نسبت داده شده است.

و باز هم، سوالات. نقاط اصلی پیوستگی بین سرنوشت مسیحیان و سرنوشت مسیح چیست و معنای هر یک از این عناصر اصلی چیست؟ چگونه این رابطه بین سرنوشت مسیحیان و سرنوشت مسیح، هم مسیح‌شناسی پطرس و هم درک او از زندگی مسیحی را روشن می‌کند؟ چرا پطرس این پیوستگی بین سرنوشت مسیحیان و سرنوشت مسیح را اینگونه ارائه کرده است و چرا این پیوستگی وجود دارد؟ و ممکن است پرسیم، به گفته او چرا این مهم است؟ و باز هم، پیامدهای الهیاتی. من فکر می‌کنم، و بگذارید اینجا ببینم، در ۲:۱۱ تا ۵:۱۱، ما همچنین یک جزئیات با ابزارسازی داریم.

حالا دوباره، ممکن است اعتراض کنید و بگویید، خب، این فقط به یک زیرواحد در واقع در تجزیه و تحلیل می‌پردازد، اما اتفاقاً این زیرواحد بیش از نیمی از مطالب کتاب را کنترل می‌کند. هر رابطه ساختاری که در بیش از نیمی از مطالب کتاب یافت می‌شود، مربوط به ساختار کلان کتاب است و بنابراین، به نظر ما، باید در بررسی کتاب ذکر شود. اما در نصایحی که مربوط به موقعیت‌های خاص در ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ است، در این مطالب حرکتی از کلی به جزئی داریم، به طوری که او در ۲:۱۱ و ۱۲ می‌گوید، ای عزیزان، از شما به عنوان بیگانگان و تبعیدیان التماس می‌کنم، و ضمناً، دوباره توجه کنید که در این متن، او زبان تبعیدیان را از ۱:۱ برمی‌دارد. ای عزیزان، از شما به عنوان بیگانگان و تبعیدیان التماس می‌کنم که از شهوات نفسانی که علیه روح شما جنگ می‌کنند، دوری کنید.

در میان غیریهودیان، رفتار نیک خود را حفظ کنید تا اگر شما را به عنوان خطاکار سرزنش کردند، بتوانند اعمال نیک شما را ببینند و در روز ملاقات، خدا را ستایش کنند. بنابراین، به ویژه این امر پرهیز از شهوات نفسانی، جنگیدن با نفس خود، حفظ رفتار نیک در میان غیریهودیان، اشاره او به دیدن اعمال نیک شما توسط آنها، همه اینها واقعاً در نصایح خاصی که در ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ داریم، به طور خاص بیان شده است. آنها جزئیات آنچه را که در پرهیز از شهوات نفسانی دخیل است، تشکیل می‌دهند. آنها نشان می‌دهند که به طور خاص یا ویژه چه چیزی دخیل است، محتوای خاص حفظ رفتار نیک در میان غیریهودیان و اعمال نیک در میان غیریهودیانی که او در آنجا ذکر می‌کند.

اما، البته، شما در اینجا یک بیانیه هدف نیز دارید که مربوط به کل آیات ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ است. در میان غیریهودیان رفتار نیک داشته باشید تا در صورتی که شما را به عنوان خطاکار سرزنش کنند، بتوانند اعمال نیک شما را ببینند و در روز ملاقات، خدا را ستایش کنند. این هدف آن نوع زندگی و رفتاری است که او در آیات ۲:۱۳ تا ۵:۱۱ به آن توصیه می‌کند. البته، یکی از مواردی که این آیه بر آن تأکید دارد، زمینه خصمانه و اجتماعی است که این نوع زندگی باید در آن زندگی شود. سوالات؟ قطعی.

اول از همه، یک نصیحت کلی در آیات ۲:۱۱ تا ۱۲ به چه روش‌های دقیقی در نصیحت‌های خاص مربوط به موقعیت‌های خاص در آیات ۲:۱۳ تا ۵:۱۱ بیان یا بسط داده شده است؟ یک نصیحت کلی و بیان هدف آیات ۲:۱۱ و ۱۲ چگونه این دستورالعمل‌ها را روشن می‌کنند؟ چرا پطرس این دستورالعمل‌های خاص آیات ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ را بدین ترتیب در چارچوب نصیحت کلی آیات ۲:۱۱ و ۱۲ و بیان هدف آنها قرار داده است؟ ۲:۱۳ و باز هم، پیامدهای آن چیست؟ پس فکر می‌کنم، احتمالاً در اینجا تعمیمی داریم. به عبارت دیگر، آیه ۵:۱۲ ممکن است یک جمله کلی باشد که مضامین یا دغدغه‌های اصلی کل کتاب را در بر می‌گیرد. در آیه ۵:۱۲، «می‌خوانیم»: به وسیله سیلوانوس، برادری وفادار که من او را می‌شناسم، به طور خلاصه برای شما نوشته‌ام، «نصیحت می‌کنم و اعلام می‌کنم که این فیض حقیقی خداست».

در آن استوار باشید. این می‌تواند در واقع خلاصه‌ای از کتاب اول پطرس باشد. نصیحت می‌کند و اعلام می‌کند.

توجه کنید که او در اینجا هم از وجه خبری و هم از وجه امری استفاده می‌کند. او در حال نصیحت و اعلام این است که این لطف خداست. البته، این وجه خبری خواهد بود.

در آن استوار باشید. ضمناً، اگر در واقع این یک جمله کلی در اینجا باشد، موضوعی را برجسته می‌کند که در غیر این صورت ممکن بود از نظر اهمیت آن در کتاب از دست بدهیم، و آن فیض است. این یک فیض واقعی خداست.

این تعمیم می‌دهد، خبر، فیض، و سپس امر، در آن محکم بایست، در فیض. بنابراین، چگونه آیه ۵:۱۲ مسائل اصلی کتاب را خلاصه می‌کند و این مسائل را روشن می‌سازد؟ چرا نویسنده کتاب خود را با این خلاصه کلی به پایان رسانده است، و پیامدهای آن چیست؟ البته، ما اشاره کردیم که شناسایی آیات کلیدی یا حوزه‌های استراتژیک مهم است، و اینها باید به صراحت روابط ساختاری اصلی را که مشاهده کرده‌ایم نشان دهند، به طوری که استراتژیک‌ترین بخش‌ها از نظر برخورد ما با کتاب، در واقع از پویایی خود کتاب ناشی می‌شوند، توسط آن پیشنهاد می‌شوند. بنابراین، ۱: ۱ و ۲، البته، بیانگر بیانیه مقدماتی و توصیف کلی هستند.

نمایانگر علیت است. این در همان ابتدا قرار دارد. این در گذار از آن جمله‌ی بزرگ حاکی از حقیقت به ۱:۱۳ نصایح است، و آغاز نصایح کتاب است، بنابراین، ذهن‌هایتان را آماده کنید، هوشیار باشید، امیدتان را قرار دهید.

ضمناً، یک بار دیگر، اهمیت امید در این کتاب با این واقعیت مطرح می‌شود که اولین نصیحت مربوط به امید است، و اتفاقاً، از نظر ساختار دستوری یونانی در آیه ۱۳، «امید خود را قرار بده» فعل اصلی است، بنابراین، حداقل به عنوان افعال امری ترجمه می‌کند، وجه وصفی هستند. بنابراین RSV سایر افعال امری، یا آنچه شما واقعاً یک فعل اصلی دارید. نکته اصلی آیه ۱۳ امید است.

بنابراین، در واقع، می‌توانید این را ترجمه کنید، بنابراین، با بستن ذهن و هوشیار بودن، امید خود را کاملاً بر فیض قرار دهید. ضمناً، دوباره، فیض، که در آن جمله احتمالاً خلاصه در انتهای کتاب یافتیم، امید شما را کاملاً بر فیضی قرار می‌دهد که در وحی عیسی مسیح به شما می‌رسد. 1:14 تا 16، البته، نمایانگر جزئیات است زیرا این هسته اصلی نصیحت عمومی است که ما داریم، نصیحت‌هایی که در 1:13 تا 2:11 داریم که نویسنده در 2:11 و پس از آن، آن را مشخص می‌کند و محتوای خاصی به آن می‌دهد، زیرا آن را در موقعیت‌های خاص به کار می‌برد، همانطور که فرزندان مطیع با احساسات جهل سابق خود مطابقت ندارند، بلکه مانند کسی که شما را مقدس خوانده است، در تمام رفتار خود مقدس باشید. البته آیات ۲:۱۱ و ۱۲ جزئیات را با ابزار دقیق نشان می‌دهند، که همین چند لحظه پیش دیدیم که او واقعاً آن را در آیات ۲:۱۱ تا ۵:۱۱ بیان می‌کند.

او با صحبت کردن به طور کلی، با عبارات کلی‌تر، خاص‌تر از دعوت به تقدس، اما کلی‌تر از آنچه در ۲:۱۳ تا خواهد بود، شروع می‌کند، از احساساتی که علیه روح شما جنگ می‌کنند، دوری کنید، رفتار خوبی را در ۵:۱۱ میان غیریهودیان حفظ کنید، و البته، سپس او جلوتر می‌رود و به طور خاص توضیح می‌دهد که از نظر کاربرد آن در موقعیت‌های خاص در ۲:۱۳ و بعد از آن، و بیان هدفی که بر فراز نصایح بقیه کتاب قرار دارد، به این صورت است که در صورتی که آنها علیه شما به عنوان خطاکار صحبت کنند، این غیریهودیان علیه شما به عنوان خطاکار صحبت می‌کنند، ممکن است اعمال نیک شما را ببینند و در روز ملاقات خدا را ستایش کنند و سپس، البته، ۴:۱۹ ممکن است نمایانگر تکرار رنج باشد. بنابراین، بگذارید کسانی که طبق اراده خدا رنج می‌برند، درست عمل کنند و روح خود را به خالق وفادار بسپارند. من فکر می‌کنم این واقعاً جنبه‌های اصلی برخورد پطرس با رنج را در بر می‌گیرد و بنابراین، به عنوان یک حوزه استراتژیک که نشان دهنده تکرار رنج در کتاب است، یک امکان ارزشمند است.

و البته، آیه ۵:۱۲ می‌تواند جمله کلی باشد، و بنابراین، این نشان دهنده یک تعمیم در کتاب است. حال می‌دانید، من قبلاً اشاره کردم که هدف، یک هدف، از شناسایی حوزه‌های استراتژیک این است که وقتی زمان محدود است، توجه تفسیری خود را بر آن قسمت‌ها متمرکز کنیم، آن قسمت‌ها را تفسیر کنیم زیرا مهمترین قسمت‌های کتاب هستند، و آنها را به گونه‌ای تفسیر کنیم که نشان دهد چگونه این قسمت‌های کلیدی ممکن است به جنبه‌های اصلی کتاب به طور کلی منجر شوند و آنها را روشن کنند. فقط به عنوان پیش بینی تنها چند دقیقه پس از این بررسی، دقیقاً همان کاری است که ما قرار است انجام دهیم؛ ما قصد داریم با ارائه تفسیری از آیه ۱:۱، مثالی از این موضوع ارائه دهیم.

ما این را انتخاب کردیم چون یک حوزه استراتژیک است، بنابراین می‌خواهیم نشان دهیم که تفسیر شامل چه چیزهایی می‌شود، یعنی گرفتن یک آیه کلیدی یا حوزه استراتژیک و تفسیر آن به گونه‌ای که به ما کمک کند به جنبه اصلی کتاب به عنوان یک کل برسیم. حال، از نظر داده‌های درون کتاب، در این مرحله از منابع ثانویه کتاب فراتر نمی‌رویم. جایی برای انجام این کار وجود دارد.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، تمایل من این است که هر کاری از دستمان برمی‌آید انجام دهیم، یعنی با استخراج یا استنباط این مفهوم از پیشینه تاریخی از داده‌های خود کتاب، بلافاصله پس از آن به سراغ مطالعه‌ی پژوهش‌های علمی در رابطه با پیشینه‌ی تاریخی برویم. اما هنوز این کار را نکرده‌ام. این بخشی از بررسی است.

اینها چیزهایی هستند که می‌توانیم در مورد این سؤالات مهم‌تر از داده‌های خود کتاب تشخیص دهیم. در مورد نویسنده، او خود را، البته، پطرس معرفی می‌کند. بعداً، در فصل ۵-۱، خود را یکی از بزرگان کلیسا خواهد خواند.

بنابراین، من به عنوان یک پیر دیگر، بزرگان را در میان شما نصیحت می‌کنم. این، این پطرس احتمالاً همان پطرس، شاگرد عیسی است. او در ۱:۱ به عنوان رسول معرفی شده است.

و او می‌گوید که در آیه ۵:۱ شاهد رنج‌های مسیح بوده است. من به عنوان یک پیر دیگر و شاهد رنج‌های مسیح، بزرگان را در میان شما نصیحت می‌کنم. او که کاملاً با عهد عتیق آشناست، به انبیا اشاره می‌کند، در چندین مورد از عهد عتیق نقل قول می‌کند و به شخصیت‌های عهد عتیق اشاره می‌کند.

در مورد دریافت‌کنندگان، ممکن است یهودی بوده باشند. آنها به عنوان تبعیدیان پراکنده شناخته می‌شوند. و البته، شما مکرراً به عبارات و مفاهیم عهد عتیق اشاره کرده‌اید.

بگذارید فقط بگویم که این ارجاعات مکرر به متون و مفاهیم عهد عتیق به خودی خود به مخاطبان یهودی اشاره نمی‌کند. بسیار جالب است که به ندرت کتابی از عهد جدید وجود دارد که به اندازه غلاطیان به عهد عتیق وابسته باشد یا اشارات بیشتری به آن داشته باشد یا اشارات بیشتری به آن داشته باشد، یا از نظر ارجاع به آن، بیشتر از آن عمل کند. با این حال، غلاطیان آشکارا برای مخاطبان غیریهودی، حداقل تقریباً کاملاً غیریهودی، نوشته شده است.

مسیحیان غیریهودی عهد عتیق را می‌دانستند. این کتاب مقدس آنها بود و آنها آن را به خوبی می‌دانستند. اکنون، داده‌هایی در اینجا وجود دارد که نشان می‌دهد آنها ممکن است غیریهودی بوده باشند.

توجه داشته باشید که او به احساسات جاهلیت سابق آنها اشاره می‌کند و می‌گوید که آنها خدا را به هیچ وجه واقعی نمی‌شناختند، و زندگی آنها در جهل می‌گذشت. همچنین در مورد شیوه‌های فتودالی به ارث رسیده از پدرانشان صحبت می‌کند. باز هم، در ظاهر، به نظر نمی‌رسد که این زبانی باشد که خطاب به یهودیان باشد.

بعید است، حداقل در ظاهر، بعید است که نویسنده‌ای به پدران یهودی، همانطور که من می‌گویم، به پدران و پدران یهودیت و شیوه‌های آنها به عنوان فتودالی اشاره کند. در ۲:۱۰، او در مورد آنها می‌گوید، زمانی شما قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید. و سپس، در ۲:۱۲، او آنها را ترغیب می‌کند که در میان غیریهودیان رفتار خوب داشته باشند.

ممکن است که او در اینجا از واژه «غیریهودیان» به شیوه‌ای الهیاتی استفاده می‌کند، یعنی، خب، اشاره می‌کند، خب، بگذارید اینطور بگویم. ممکن است که او در اینجا اشاره می‌کند که آنها، البته، در میان غیریهودیان زندگی می‌کنند. البته این می‌تواند به این معنی برداشت شود که خب، یهودیانی وجود دارند و نه غیریهودیان.

اما از سوی دیگر، ممکن است دلیلی وجود داشته باشد که فکر کنیم اگرچه آنها همچنان غیریهودی هستند، اما در واقع از نظر قومی غیریهودی هستند، اکنون که به فیض خدا آورده شده‌اند، اکنون که به جامعه مسیحی آورده شده‌اند، در واقع وارث وعده‌های داده شده به اسرائیل هستند و بنابراین، به نوعی، یهودی، از نظر الهیاتی یهودی، از نظر معنوی یهودی، اگر نه از نظر قومی یهودی هستند. همچنین، دوباره، در ۲:۲۵، او می‌گوید، زمانی مانند گوسفندان گمراه بودید. و در ۴:۳، او می‌گوید، بگذارید زمان گذشته برای انجام آنچه غیریهودیان دوست دارند، یعنی زندگی در شهوترانی، شهوترانی، مستی، عیاشی، میگساری و بت‌پرستی بی‌قانون، کافی باشد.

به عبارت دیگر، منظور او این است که شما قبلاً اینگونه زندگی می‌کردید، از جمله، توجه داشته باشید بت‌پرستی بی‌قانون. همانطور که گفتم، این بت‌پرستی از نداشتن شریعت ناشی می‌شود. آنها از اینکه شما اکنون در همان هرزگی وحشیانه به آنها نمی‌پیوندید، متعجب می‌شوند و همانطور که در آیه ۴:۴ اشاره کردیم، از شما سوءاستفاده می‌کنند. و همچنین، در آیات ۱:۱۴ تا ۴:۲ به اجتناب از شهوت اشاره شده است. حال اینها به وضوح مسیحی بودند و مسیحیان به طرق خاصی توصیف شده‌اند، و من واقعاً همه اینها را نمی‌خوانم، اما می‌توانید ببینید که چگونه این می‌تواند از نظر درک دقیق اینکه این افراد چه کسانی بودند، یا حداقل اینکه نویسنده چگونه دریافت‌کنندگان را درک می‌کرد، بسیار مفید باشد.

با این حال، توجه به این نکته مهم است که آنها به ناحق و به خاطر زندگی مقدسشان در ایمان مسیحی توسط همسایگان غیریهودی و همفکران سابقشان، مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. بنابراین، او در واقع از رنج کشیدن به خاطر عدالت صحبت می‌کند. او می‌گوید که آنها باید آماده باشند تا از امیدی که در آنها وجود دارد، دفاع کنند، باید آماده باشند تا با نرمی و احترام از خود دفاع کنند، و اینکه آنها توسط غیریهودیان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند زیرا دیگر درگیر فسق و فجور خود نیستند.

او به آزمایش سختی که آنها تجربه می‌کنند اشاره می‌کند و به این واقعیت اشاره می‌کند که ممکن است بنا به خواست خدا نیاز به رنج کشیدن داشته باشند، یا شاید در حال رنج کشیدن باشند، و به آنها هشدار داده می‌شود که این رنج را عجیب ندانند. آنها ممکن است دچار مشکلات معنوی خاصی شده باشند. اشاره‌ای به مهمان‌نوازی پی‌دریغ وجود دارد، اما باز هم، من اصل این نوع چیزها را به ما یادآوری می‌کنم.

این را خوانش آینه‌ای از رساله‌های عهد جدید می‌نامند. صرفاً به این دلیل که او آنها را به مهمان‌نوازی پی‌دریغ تشویق می‌کند، لزوماً به این معنی نیست که آنها مهمان‌نواز نیستند، اما می‌تواند به نوعی مشکل اشاره داشته باشد. در اینجا به خانه‌های از هم پاشیده اشاره شده است، موردی که زن مؤمن و شوهر کافر است.

در اشاره به ذهن‌های فروتن، باز هم فروتنی ممکن است یک مسئله بوده باشد. اشاره به بزرگانی که با میل و رغبت از گله خدا مراقبت می‌کنند در مقابل از روی اجبار یا برای سود. باز هم، این ممکن است به یک مسئله در آنجا اشاره داشته باشد، و همچنین توصیه به جوانان برای اطاعت از بزرگان.

حال، دریافت‌کنندگان اینجا، یعنی حضار، ممکن است شامل بردگان و ثروتمندان بوده باشند. به نظر می‌رسد، که شما در میان دریافت‌کنندگان، جمعیت اجتماعی-اقتصادی گسترده‌ای دارید. برخی از آنها طبق آیه ۲:۱۸، خدمتکاران بودند، یعنی برده.

برخی از این بردگان از اربابان سلطه‌گر رنج می‌بردند. او بین فناپذیری و فناپذیر بودن تضاد ایجاد می‌کند و از مقادیر بسیار قابل توجهی از کالاها یا پول استفاده می‌کند. باز هم، این نشان می‌دهد که ممکن است در بین حضار آنجا ثروت وجود داشته باشد.

و او به پوشیدن لباس‌های فاخر و بافتن مو و غیره توسط آنها اشاره می‌کند. باز هم، این به ثروتمند بودن آنها اشاره دارد. آنها ممکن است انجیل را به صورت دست دوم دریافت کرده باشند.

آنها هرگز مسیح را ندیده بودند. حالا، شما قطعاً مسیحیان نسل دوم را اینجا دارید. و آنها انجیل را از طریق موعظه انسان‌ها، شاید بیش از یک واعظ، دریافت کرده بودند.

بنابراین، او در ۱:۱۲ می‌گوید، به ایشان، یعنی به انبیا، وحی شد که آنها نه به خودشان، بلکه به شما خدمت می‌کردند، و چیزهایی که اکنون توسط کسانی که از طریق روح‌القدس از آسمان به شما بشارت دادند، به شما اعلام شده است. او دوباره در ۱:۲۵ به این موضوع اشاره می‌کند، آن کلام، بشارتی است که به شما بشارت داده شده است. و سپس از نظر محل نگارش، در ۵:۱۳ به بابل اشاره شده است، در اینجا می‌گوید، او که در بابل است و به همین ترتیب برگزیده شده است، به شما سلام می‌رساند.

حالا، ما اتفاقاً می‌دانیم، و البته، همه ما با نوعی پیشینه خاص به این داده‌ها می‌رسیم، که اغلب بابل نمادی از روم بوده است. و بنابراین سوال این است که آیا این از روم نوشته شده است یا خیر. اگر در واقع، منظور او از بابل، روم باشد.

او همچنین به امپراتوران و فرمانداران اشاره می‌کند. بنابراین، واضح است که او در اینجا به تفکر امپراتوری گره خورده است. البته، این به خودی خود به منشأ خاصی از کتاب اشاره نمی‌کند.

با این حال، مقصد به صراحت بیان شده است. پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا، بیطینی، این واقعاً یک نامه عمومی است. این نامه واقعاً به کلیساها در این بخش بزرگ، این بخش وسیع از آسیای صغیر فرستاده شده است.

شامل بخش بزرگی از آنچه امروز ترکیه است، می‌شود. مسلماً دلیل نوشتن این متن، آزار و اذیت آنها بوده است. و او ممکن است می‌خواسته به این موضوع اشاره کند.

البته این موضوع به تکرار زبان رنج‌آور در کتاب مربوط می‌شود. آنها احتمالاً به دلیل این آزار و اذیت در معرض خطر بازگشت به گناه بودند. او قطعاً در مورد این نوع چیزها هشدار می‌دهد و به نظر می‌رسد که آنها را در برابر آن آماده می‌کند یا به نوعی منابعی در برابر این نوع واکنش به آنها می‌دهد.

احتمالاً او که از این آزمایش‌ها نگران و متزلزل شده بود، در آیه ۱۲ از باب ۴ می‌گوید: عزیزان، از آزمایش‌های سختی که بر شما نازل می‌شود تعجب نکنید، گویی اتفاق عجیبی برای شما افتاده است. احتمالاً فقدان قطعی فروتنی و اطاعت در میان مردم. باز هم، این یک تأکید است.

و احتمالاً برخی از بزرگان کلیسا بر اساس منافع شخصی عمل می‌کردند نه از روی عشق به گله. همه این موارد ممکن است دلیل این امر بوده باشد. به عبارت دیگر، چه چیزی باعث تولید این کتاب شد؟

برداشت عمده‌ی دیگر این است که این کتاب واقعاً با لحنی امیدوارکننده توصیف می‌شود. هرچند در آنجا نیز متوجه شدیم که از عبارات هدف‌دار مکرراً استفاده شده است. و من از این بابت از قالب آن عذرخواهی می‌کنم.

باشد. اینها راه‌هایی برای نشان دادن هدف هستند، اگرچه مستقیماً یا از نظر مادی hapos و hina این باید به یکدیگر مرتبط نیستند، بنابراین این واقعاً تکرار ابزارسازی نیست. به عبارت دیگر، شما همان وسیله و همان هدف را در سراسر آن تکرار نمی‌کنید.

بنابراین، این واقعاً تکرار ابزارگرایی به عنوان یک رابطه ساختاری نیست، بلکه بیشتر یک نوع سبک است که او بارها و بارها، به طرق مختلف، دوست دارد در مورد هدف این یا آن صحبت کند. بنابراین این بررسی کتاب است. فکر می‌کنم الان زمان خوبی برای مکث بود.

از الان تا شروع بخش بعدی ویدیو، یک بار دیگر آن را ببینید؛ فقط چند دقیقه وقت بگذارید و آیات ۱:۱ و ۲ را بخوانید، چون قرار است کمی بعد تفسیر آن قسمت را ارائه دهیم.

من دکتر دیوید باور هستم در حال تدریس در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس. این جلسه ۲۸، اول پطرس، بررسی کتاب است.